

The study of measures of governmental and non-governmental departments in providing public foodstuffs in the World War II

Abolghasem Bagheri*

Sayed Ali reza Abtahi**

Abstract

After the occupation of Iran by the Allies in World War II, public foodstuffs in Isfahan were faced with price increases, hoarding, smuggling and degradation of quality. This situation forced governmental and non-governmental departments of Isfahan to take measures to provide public foodstuffs and confront the hoarders. The purpose of this study is to investigate the success of Isfahan governmental and non-governmental agencies in providing foodstuffs during the occupation of Iran in World War II. To investigate this issue, a descriptive-analytical approach has been used. The findings of the present study showed that Isfahan offices, for provision of public foodstuffs, measures taken, such as : monitoring the entry and exit of food, rationing of public foodstuffs, punishing the hoarders and forcing the owners to sell their surplus wheat: however, as a result of some reasons such as : hoarding, the employment of Allied staff in Isfahan offices, the incompatibility of Isfahan offices with each other and with the central governmental and administrative problems, the measures taken by these offices in providing public stuffs were insignificant and they did not manage to meet the expectations of the people.

Keywords: Isfahan, Word War II, department, Foodstuffs

* Phd Student of History, Islamic Azad University of Najafabad Branch, Iran, bagheri4949@yahoo.com

** Assistant Professor of History, Islamic Azad University of Najafabad Branch, Iran (Corresponding Author), abtahi1342@yahoo.com

Date received: 22/8/2020, Date of acceptance: 17/11/2020



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی اقدامات ادارات دولتی و غیردولتی اصفهان در تأمین ارزاق عمومی در جنگ جهانی دوم

ابوالقاسم باقری*

سید علیرضا ابطحی**

چکیده

با اشغال ایران از سوی متفقین در جنگ جهانی دوم، ارزاق عمومی در اصفهان با افزایش قیمت، اجتنابناپذیر، قاچاق و تنزل کیفیت مواجه شد. این وضعیت، ادارات دولتی و غیر دولتی اصفهان را به اقداماتی جهت تأمین ارزاق عمومی مردم و مقابله با محترکین واداشت. هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان موفقیت ادارات دولتی و غیر دولتی اصفهان در تأمین ارزاق عمومی در دوران اشغال ایران در جنگ جهانی دوم است. برای بررسی این موضوع از رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. یافته های پژوهش حاضر نشان داد، ادارات اصفهان برای تأمین ارزاق عمومی اقداماتی مانند: نظارت بر ورود و خروج خواربار، جیره بندی ارزاق عمومی، مجازات محترکین و اجبار مالکان به فروش گندم مازاد خود انجام دادند. اما به دلایلی همچون: احتکار ارزاق عمومی، استفاده از کارمندان متفقین در ادارات اصفهان، ناهماهنگی ادارات اصفهان با یکدیگر و با دولت مرکزی و مشکلات اجرایی، نتیجه عملکرد این ادارات در رفع نگرانی مردم برای تأمین ارزاق ناچیز بود و نتوانست انتظارات آنها را برآورده کند.

کلیدواژه ها: اصفهان، جنگ جهانی دوم، ادارات، ارزاق عمومی

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران،
bagheri4949@yahoo.com

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد (نویسنده مسئول)، نجف آباد، ایران،
abtahi1342@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

با اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، مردم اصفهان شاهد قحطی نان و بحران تامین ارزاق عمومی خود شدند. از اواخر شهریور ۱۳۲۰/ش سپتامبر ۱۹۴۱ م هر روز براهتکار، افزایش قیمت، قاچاق و تنزل کیفیت نان و دیگر ارزاق عمومی افزوده شد. کافی نبودن آرد برای پخت نان در نانوائی ها به ایجاد صف های طولانی جلوی نانوائی ها و درگیری بین مردم برای گرفتن نان و یا تعطیلی نانوائی ها می شد. مردم اصفهان از طریق تجمعات که گاهی به خشونت نیز کشیده می شد؛ و همچنین روش های دیگر از جمله نامه نگاری با مقامات اداری اصفهان، خواستار تامین ارزاق و پایان دادن به این وضع شدند. ادارات اصفهان از جمله استانداری، فرمانداری، شهرداری، اداره خواربار، شهربانی و ... بنا بر وظایف ساختاری خود و پاسخ گویی به درخواست های مردم، اقداماتی را جهت تامین ارزاق عمومی اهالی شهر انجام دادند.

سوال اصلی این پژوهش بررسی اقدامات ادارات دولتی و غیر دولتی اصفهان برای تامین ارزاق عمومی در دوران اشغال و نتایج آن است. بر این سوال این فرض استوار است؛ که علیرغم اقدامات گوناگون ادارات دولتی و غیر دولتی اصفهان برای تامین ارزاق عمومی، این اقدامات نتوانست تاثیر چندانی بر تامین مناسب ارزاق عمومی و مقابله با محتکرین داشته باشد؛ و مردم اصفهان تا پایان جنگ وضعیت رضایت بخشی در تامین ارزاق خود نداشتند.

می توان بر فرضیه اصلی، فرضیه های دیگری را در نظر گرفت. الف: اقدامات ادارات اصفهان در جلوگیری از احتکار ارزاق عمومی و اقدامات محتکرین داخلی و متفقین نتایج اثر بخشی نداشته و این معضل اجتماعی مانع مهمی در تامین ارزاق عمومی بوده است. ب: بین ادارات اصفهان و وزارتخانه های مربوط در تهران برای تامین ارزاق عمومی در مواردی هماهنگی لازم وجود نداشته است. ج: استفاده از تخصص کارمندان متفقین در ادارات اصفهان در آن شرایط حساس به دلیل ناآشنایی آنان با فرهنگ مردم اصفهان در دوران قحطی، اختلاف آنان با مدیران محلی و انتساب این افراد به دولت های اشغالگر نه تنها کمکی به رفع مشکلات تامین ارزاق عمومی نکرد بلکه سبب واکنش مردم و گروه ها شده است. د: موفقیت برخی از اقدامات ادارات دولتی و غیر دولتی اصفهان، مستلزم انجام تعهدات نهاد های فراملی در اینجا کمیته خاورمیانه متفقین بوده است؛ اما عدم همکاری لازم متفقین با دولت ایران باعث شد؛ برخی اقدامات ادارات اصفهان به خصوص طرح

جیره بندی درست اجرا نشود. آخر اینکه اشکالات اجرایی اقدامات ادارات دولتی و غیر دولتی اصفهان در عمل خود را نشان داده و خیلی از طرح ها در طول اجرا دچار وقفه شده مشکلات خود را داشت.

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد، روزنامه های اصفهان، کتب تاریخی و منبع شفاهی نوشته شده است. تاکنون پژوهش های بر محور قحطی در ایران انجام شده است. در مورد اصفهان «کتاب برگ هایی از تاریخ اجتماعی اصفهان معاصر جلد دوم» و «تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان دوره پهلوی اول» (عبدالمهدی رجائی) هر دو از یک نویسنده، نوشته شده است در کتاب اول تحولات اجتماعی اصفهان معاصر از جمله قحطی با استناد به روزنامه آن دوره اصفهان تحلیل شده است. کتاب دوم صرفاً بازنویسی اخبار تحولات شهری اصفهان در روزنامه های اصفهان است که در مواردی به ارزاق عمومی اشاره کرده است. همچنین در سطح ملی پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین عوامل موثر در شیوع قحطی سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ م (مرتضی دهقان نژاد و الهام لطفی) انجام شده است که در آن مواردی از اقدامات دولتی مانند جیره بندی و توزیع کوپن، استخدام مشاوران مالی (میلسپو) و نان سیلو بررسی شده است. همچنین می توان از پژوهش دیگری با عنوان «جیره بندی مواد غذایی در ایران طی سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ م» (شهرام یوسفی فر و فریدون شیرین کام) نام برد که جیره بندی ارزاق در این دوره پرداخته است. تاکنون پژوهشی که به صورت مشخص اقدامات ادارات دولتی و غیر دولتی یک شهر را برای مقابله با پیامدهای اشغال ایران به خصوص احتکار و افزایش قیمت ها بررسی کرده باشد انجام نشده است. پژوهش حاضر این ویژگی را دارد که اقدامات ادارات دولتی و غیر دولتی برای مقابله با پیامدهای اشغال ایران و نتایج آن را به طور مشخص در باره اصفهان در دوران جنگ جهانی دوم بررسی کند.

۲. وضعیت مردم اصفهان در تامین نان و دیگر ارزاق عمومی در جنگ جهانی

دوم

در سال های پایانی حکومت رضا شاه، زمینه های کمبود ارزاق عمومی به خصوص گندم و گوشت در کشور آغاز شده بود که این مسأله علاوه بر کمبود سیلو برای انبار گندم، ریشه در برنامه نوسازی رضا شاه داشت. او برای تأمین هزینه های برنامه نوسازی کشور، اقداماتی را همچون: انحصار دولت بر کالاهای مصرفی از قبیل شکر، چای، تنباکو و... انجام داد

(آبراهامیان ۱۳۸۱: ۱۸۴). این سیاست، انگیزه دولت به تجارت پایاپای با برخی کشورها، به خصوص آلمان و شوروی را بیشتر کرد. (فوران ۱۳۷۸: ۳۳۶). تولیدکنندگان ایرانی مجبور شدند؛ برای فروش غلات خود به دولت با نرخ نازل تر از کشورهای منطقه و صدور آنها به خارج اقدام کنند که این موضوع متقابلاً بر تأمین ارزاق عمومی اثر گذاشت. وزیر خارجه وقت آمریکا به نام کوردیل هال (cordel Hull) در یک گزارش، صادرات مقادیر عظیمی غله و دام به آلمان و روسیه را در ایجاد کمبود شدید مواد غذایی، نان و گوشت در اواخر حکومت رضا شاه دخیل دانسته است (آبادیان ۱۳۹۰: ۲).

کمبود ارزاق عمومی به خصوص نان در اواخر حکومت رضاشاه در اصفهان نیز بغرنج شد. در تاریخ ۱۳۱۹/۱۲/۲۷ ش/۱۹۴۱/۳/۱۸م اداره امور شهرداری‌ها طی نامه‌ای به نخست‌وزیری، از تلگراف فرمانداری اصفهان گزارش داد که «بیش از دو سه روز جنس [نان] برای مصرف آنجا [اصفهان] نیست» (ساکما، ۲۶۱۶-۳۱۰). طبق گزارش شهرداری اصفهان: «آردی که به نانوایان تحویل می‌شود بیش از صدی پنجاه جو مخلوط دارد؛ بعلاوه نسبت به الک کردن آنها دقتی نمی‌شود» (ساکما، ۲۶۱۶-۳۱۰). حتی یک نمونه نان مصرفی مردم اصفهان توسط فرمانداری اصفهان به تهران ارسال شد (ساکما، ۲۶۱۶-۳۱۰). وخامت اوضاع اصفهانی‌ها در تأمین ارزاق عمومی در اسفند ۱۳۱۹ ش/۱۹۴۱م دولت را به تغییر برخی محدودیت‌ها مانند برداشتن ممنوعیت کشت برنج در اصفهان واداشت (بولارد ۱۳۷۸: ۸۱). با وجود این از یک سو به دلیل احداث زیر ساخت های کشور چون شبکه حمل و نقل و ارتباطات و از سوی دیگر توسعه واحد های نظامی و افزایش اقتدار دولت در سطح کشور (یوسفی فرو شیرین کام ۱۳۹۰: ۱۶۸). کمبود ارزاق عمومی در حدی نبود که زندگی مردم را مختل کند و فرصت را در اختیار محترکین قرار دهد.

اما، سرایت جنگ جهانی دوم به ایران و پیامدهای آن، قحطی و کمبود ارزاق عمومی را در حد یک بحران اجتماعی در آورد. نیروهای متفق در سوم شهریورماه ۱۳۲۰ ش/۲۵ آگوست ۱۹۴۱م با اشغال ایران و پیشروی در کشور، رضا شاه را وادار به استعفا کردند. تقریباً یکی دو ماه از اشغال ایران نگذشته بود که بحران اقتصادی اکثر نقاط کشور از جمله اصفهان را فرا گرفت. از اواسط سال ۱۳۲۱ ش/۱۹۴۲م تا اواخر سال ۱۳۲۳ ش/۱۹۴۴م، مشکل تأمین ارزاق عمومی در شهر اصفهان به اوج خود رسید. مسائل روانی و رصد قیمت‌ها در سایر مناطق، محترکین را به احتکار تشویق می کرد و افزایش قیمت‌ها در شهر را به همراه داشت. در آذر ۱۳۲۱/۱۳م اکتبر ۱۹۴۱م وقتی رادیو تهران، قیمت

شکر را کیلویی ۴۰ ریال اعلام کرد در اصفهان قیمت هر کیلو شکر به ۵۰ ریال رسید (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۱۲). برنج ظرف چند روز از خرواری ۳۰۰ تومان به ۴۵۰ تومان افزایش یافت (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۰۷). کمبود قند و شکر و افزایش قیمت آن‌ها در شهر اصفهان به حدی بود که ذوق شعری اصفهانیان را برانگیخت و در این‌باره تصنیف‌هایی سرودند.^۱ (کتابی ۱۳۷۷: ۱۶۵).

در نتیجه احتکار و کمبود نان و ناتوانی مردم در تأمین آن، مواردی از درگیری و نزاع در صف‌های نان و اقدام خودسرانه عده‌ای برای وادار کردن نانوایان به کاهش قیمت‌ها اتفاق می‌افتاد. در یکی از روزهای مهرماه ۱۳۲۱ ش/اکتبر ۱۹۴۲م به واسطه کمبود نان جمعیت زیادی در مقابل نانوایی‌های شهر تجمع کردند و عده‌ای دیگر برای تأمین نان به طرف استانداری رفته و در راه، چندین دکان نانوایی را غارت و چپاول نمودند (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۷۹۷). حتی مواردی از مرگ و میر اهالی شهر به دلیل گرسنگی اعلام شده است (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۱۲). به گفته آقاجانی (۱۳۹۷): «به خاطر سختی مردم اصفهان در تأمین مایحتاج خود، این سال‌ها به «سال‌های قحطی» معروف بوده است».

به گفته اسفندیاری (۱۳۹۷): برخی برای رفع گرسنگی، ارزن را آرد کرده و با خاک اره مخلوط می‌کردند و نان می‌پختند تا بتوانند زنده بمانند. گندم بیش از زمین زراعی ارزش داشت. نقل است یکی از مالکان متوسط اصفهانی برای طلب سه من گندم خود به فرد بدهکار مراجعه می‌کند. بدهکار می‌گوید: من گندم ندارم ولی حاضر هرچه زمین در محدوده پل مارنان بخواهی در ازای گندم بدهم. طلبکار هم در جواب می‌گوید: خودم هرچه زمین بخواهید دارم، گندم بدهید. در کارخانجات اصفهان بر سر دریافت نان، بین کارگران و نانوایان درگیری فیزیکی روی داد (ساکما ۹۴۱-۲۹۰).

اقتضای ضعیف شهر به واسطه افزایش قیمت‌ها فروش و طلاهای خود را به فروش می‌رساندند؛ تا بتوانند مخارج زندگی خود را تأمین کنند (اخگر، شماره ۱۸۰۳، صفحه دوم، ۲۸ آبان ۱۳۲۱). دو قشر پاسبانان و زندانیان اصفهان در مضیقه تأمین نان قرار داشتند (ساکما، ۳۳۳۱-۲۹۱). به گفته آقاجانی (۱۳۹۷): در مناطق حاشیه شهر، مالکان حاضر نبودند گندم را به اهالی بفروشند چرا که می‌خواستند آن را با قیمت بالاتری در شهر به فروش برسانند. کمبود ارزاق در شکست لشکر ۹ اصفهان در سمیرم تأثیر داشت (روزنامه اصفهان ۱۳۲۲: ۱۹).

علاوه بر نان و اقلام دیگر، احتکار پارچه توسط برخی از فروشندگان آن بلافاصله در اصفهان خود را نشان داد. شهربانی اصفهان در نامه‌ای به فرمانداری اصفهان در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۲۱ش/۱۵ آوریل ۱۹۴۲ گزارش می‌دهد: «در ماه‌های آخر ۱۳۲۰ش چند روزی پارچه‌فروشان شهر با وضعیت نامطلوبی مقداری پارچه به اهالی شهر فروختند اما در ادامه به دلیل سودجویی آنان مردم سرگردان شدند و ناچار بودند برای تهیه چند متر پارچه از جایی به جای دیگر بروند» (ساکما ۸۲۳۴۶-۲۹۳).

کارخانجات شهر تحت تأثیر شرایط، به احتکار و افزایش قیمت کالاهای خود اقدام کردند. کارخانه پشم‌باف اصفهان ظرف چند روز قیمت هر متر پارچه بیجازی (چهار خونه) را از ۴۴ ریال به ۵۶ ریال افزایش داد (درزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۷۹۷). بعضی از اشخاص ذی‌نفع اصناف از وضع موجود سوءاستفاده می‌کردند. مثلاً از بین صنف قصابان فردی به نام حاج صفرعلی با تلفن، کمبود گوشت در شهر اصفهان را به فروشندگان دام در شهر کرد اطلاع داده از آنان می‌خواست از فرستادن گوسفند به اصفهان خودداری کنند (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۳۴).

اصناف اصفهان نیز برای تأمین مواد مورد نیاز خود در تنگنا قرار گرفتند. صنف چیت‌سازان اصفهان تقریباً از همان ماه‌های ابتدایی اشغال ایران، در تأمین پارچه خود با کمبود مواجه شدند؛ چرا که اداره پخش قماش اصفهان از تهیه مواد مورد نیاز آنان خودداری می‌کرد. روسای این صنف طی نامه‌ای به فرمانداری اصفهان در تاریخ نهم اردیبهشت ۱۳۲۱ش/۲۹ می ۱۹۴۲ مدعی شدند اداره پخش قماش اصفهان از تحویل پنجاه عدل پارچه سفید سهمیه تخصیصی آنان از تهران خودداری کرده است (ساکما ۴۱۷۸-۲۹۰). بعضی از مشاغل، در تأمین اجناس مورد نیاز خود ناچار به مکاتبه با مراجع ذی‌ربط بوده‌اند. یک راننده اصفهانی برای تهیه لاستیک ماشین جنازه‌کش خود از استاندار اصفهان تقاضای رسیدگی کرده بود (ساکما ۱۹۱۵-۲۹۰).

علاوه بر تأثیرات غیرمستقیم اشغال ایران بر نحوه و کیفیت تأمین ارزاق عمومی اصفهانی‌ها، مواردی هم به‌طور مستقیم اثرگذار بود. ورود جمعیت مهاجر به اصفهان در ابتدای اشغال شدت گرفت و از سایر شهرها به خصوص ثروتمندان تهرانی از ترس نزدیک شدن نیروی شوروی به پایتخت، راهی اصفهان می‌شدند (اعظام قدسی ۱۳۷۹، جلد دوم، ۸۸۳). همچنین تأمین ارزاق جمعیت تقریباً ۳۰۰۰ نفری لهستانی‌های تازه وارد بر ارزاق

مردم شهر بی تأثیر نبود. سرپرست لهستانی‌های مقیم اصفهان در مکاتبه با استانداری اصفهان مدام ارقام نیازمندی‌های این گروه را اعلام و خواستار تهیه آن می‌شد (ساکما ۱۷۷۲-۲۹۰). با توجه به شواهد و مدارکی که گفته شد، در مجموع اصفهانی‌ها در تامین ارزاق عمومی، وضعیت خوبی نداشتند و به خصوص محکومین از این فضا برای سود جوئی هرچه بیشتر سوء استفاده می‌کردند. این مسئله ادارات اصفهان را به عنوان نمایندگان حکومت واداشت اقدامات گوناگونی را جهت رفع مشکلات مردم در تامین ارزاق عمومی انجام دهند.

۳. اقدامات ادارات اصفهان برای رفع مشکل کمبود ارزاق عمومی مردم در جنگ جهانی دوم

تبعات نامطلوب و رو به گسترش جنگ بر زندگی مردم، انتقادات را متوجه دولت و همچنین متفقین کرد. بنابراین برای سروسامان دادن به اوضاع کشور، وزارتی به نام وزارت خواربار تأسیس شد (یکتایی ۱۳۵۲: ۵۲۴). با استخدام آرتور میلسپو (Arthur Millspaugh) توسط مجلس سیزدهم مشروطه، نام‌برده، سرپرستی اداره خواربار، و ادارات دیگر اقتصادی را برعهده گرفت (ایوانف ۱۳۵۶: ۱۰۲). در اصفهان کلنل رابرت (Kolonel Robert) انگلیسی به عنوان نماینده آرتور میلسپو (Arthur Millspaugh) در کنسولگری انگلیس در اصفهان مستقر شده بود و بر امور خواربار اصفهان نظارت می‌کرد (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۴). شهرداری اصفهان نخستین اداره‌ای بود که انتقادات و انتظارات افکار عمومی متوجه آن بود؛ چرا که مسئولیت مقدار، کیفیت و قیمت ارزاق عمومی بر عهده آن اداره بود. شهرداری اصفهان در تاریخ ۲۹ مهرماه ۱۳۲۰/۲۱ اکتبر ۱۹۴۱م طی یک آگهی، پیشه‌وران را به درج قیمت‌ها مکلف کرد و از مردم خواست چنانچه تخلفی صورت گرفت، به شهرداری گزارش دهند. شهرداری اصفهان مرتب نرخ اقلام را در روزنامه‌های یومیه منتشر می‌کرد (روزنامه اخگر ۱۳۲۰: ۱۶۹۲). قحطی نان و دیگر ارزاق عمومی در دیگر مناطق کشور، باعث صدور ارزاق عمومی از اصفهان به مناطق دیگر شد. از مطالب روزنامه‌های اصفهان برمی‌آید که خیلی از محصولات و مواد کشاورزی مزارع اصفهان، قبلاً پیش‌فروش و برای صدور به خارج اصفهان آماده می‌شده است (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۷۹۹). در یکی از مکاتبات شهرداری با استانداری اصفهان در تاریخ ۱۳۲۱/۲/۲۶ش ۱۹۴۲/۵/۱۶م شهرداری درباره علت گرانی و کم‌یابی میوه در شهر اصفهان می‌نویسد:

در شهر چند نفری هستند که قبل از دست آمدن میوه در محل سلف [زمین] خریداری کرده و موقع دست آمدن به سایر شهرستانها حمل می نمایند.... چند روز است؛ از محل دستجرد، کلاهدان، حسین آباد، نصرآباد، ماریین همان اشخاص مشغول حمل بطهران شده و مانع از ورود [میوه] به شهر هستند. (ساکما ۱۳۳۲-۲۹۱).

با توجه به این گزارشات و به خصوص تأکیدات شهرداری اصفهان، شورای شهر اصفهان درسال ۱۳۲۱/۲/۲۶ ش/۱۹۴۲/۵/۱۶م مرکب از فرمانداری، شهرداری، اداره امور مالی و اقتصاد، رئیس شهربانی و تعدادی از نمایندگان و بزرگان شهر تشکیل شد. به موجب تصمیمات این شورا صدور خواربار و میوه از اصفهان ممنوع شد (ساکما ۱۳۳۲-۲۹۱). به دنبال این تصمیم، اداره شهرداری اصفهان ضمن یک آگهی به اطلاع عموم رسانید که سیب زمینی و انواع حبوبات از این پس برای حمل به خارج شهر ممنوع خواهد بود (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۱۰). این محدودیت برای خریدهای دولتی سایر شهرستانها نیز برقرار بوده است. در اردیبهشت ۱۳۲۱ ش/آوریل ۱۹۴۲م پیمانکار خرید خواربار لشکر کرمان، مقدار ۱۹۲۰۰ کیلو برنج در اصفهان جهت ارتش کرمان خریداری کرد؛ اما در ابتدا نتوانست این محموله را خارج کند. تنها با وساطت رئیس سررشته داری لشکر ۹ اصفهان بود که استانداری اصفهان، اجازه صدور برنج را به اداره دارایی اصفهان داد (ساکما ۱۳۳۲-۲۹۱).

کمیسیون غله در اصفهان، نانوایان را ملزم به نوشتن تقاضانامه برای اخذ پروانه خرید گندم کرد. نانوایان باید محل تهیه گندم و مسافت آنجا تا شهر را صریحا در درخواست خود ذکر می کردند. نانوایان موظف بود پیش از بردن گندم به آسیاب درخواست داده و تصریح می کرد از کدام آسیاب و واقع در چه محلی استفاده خواهد کرد. او باید در ظرف مدتی که در پروانه قید شده بود جنس خود را از یکی از پنج دروازه شهر به نامهای تهران، شیراز، یزد، باغ نو و فرح آباد وارد کند و در انبارهای تعیین شده ثبت و سپس به مغازه خود ببرد (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۲۱). شهرداری اصفهان، رؤسای نانوایان شهر را در جلسه ای دور هم جمع کرد و از آنان خواست برای ماههای اردیبهشت و خرداد ۱۳۲۲ ش/می و ژوئن ۱۹۴۳م حداقل مقدار ۶۰۰۰ خروار گندم تهیه کرده و مازاد تفاوت قیمت آن با بازار آزاد را از طریق ۳۰۰۰۰۰ تومان کمک خیریه کارخانجات و متمولین شهر دریافت کنند تا نانوایان بتوانند نان را چارکی ۶ ریال یا کمتر بفروشند (روزنامه اصفهان ۱۳۲۲: ۶).

شهرداری طی مذاکراتی که با اداره خواربار داشت قرار گذاشت روزانه سیصدوپنجاه تا چهارصد رأس گوسفند برای تأمین گوشت مصرفی شهر به کشتارگاه بفرستد (نقش جهان ۱۳۲۲: ۷۴). شهرداری همچنین گوشت فروشان اصفهانی را مکلف کرد نمایندگان خود را به مناطق مختلف چهارمحال، فریدن و نجف‌آباد فرستاده و گوشت مورد احتیاج مردم را تأمین کنند (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۰۱). بعضی از مواقع شهرداری اصفهان برای تحریک اصناف برای تأمین ارزاق عمومی شهر، اعلام می‌کرد خودش رأساً شرکت‌های توزیع ارزاق به‌خصوص نان و گوشت تأسیس خواهد کرد (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۵۳ و ۷۴). همچنین اختصاص دادن سهمیه نان برای برخی از کارمندان از راهکارهای کمک به این مسئله بود؛ چنانچه به افراد ارتش، ژاندارمری سهمیه نان اختصاص یافت (ساکما ۳۳۳۱-۲۹۱).

همچنین به دلیل کمبود پارچه در اصفهان، شورای شهرستان اصفهان قرار گذاشت کلیه عاملین فروش در پنج نقطه‌ای که اداره اقتصادی تعیین می‌کند تحت نظارت این اداره به فروش پارچه اقدام کنند. صنف پارچه‌فروش لیست ۱۲۵ نفر از عاملین فروش در اصفهان را به همراه تعهدنامه آنان بر خودداری از کم‌فروشی و گران‌فروشی برای فرمانداری فرستاد (ساکما ۸۲۳۴۶-۲۹۳).

برای تأمین کالاهای مورد نیاز و کمک به اداره خواربار، اداره باربری اصفهان طی آگهی، به کامیون‌های متفرقه اجازه داد برای حمل غله دولتی با اخذ پروانه از این اداره اقدام کنند (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۲۷). این اقدام در جهت جبران کمبود وسایل نقلیه برای حمل گندم به دلیل استفاده کامیون‌های دولتی توسط متفقین بود.

حساسیت مردم و شایعات درباره صدور خواربار از شهر، مقامات خواربار اصفهان را واداشت تا جلساتی را با مدیران روزنامه‌ها برگزار کنند و به سوالات آنان در این زمینه پاسخ دهند. در یکی از این جلسات، کلنل رابرت (Kolonel Robert) انگلیسی، مأمور آرتور میلسپو (Arthur Millspaugh) در خواربار اصفهان تأکید داشت: «از این به بعد به هیچ وجه نخواهم گذاشت گندم اینجا [اصفهان] به خارج حمل شود.» او مدعی شد دولت انگلیس هیچ‌گاه در صدد بردن گندم از ایران برنیامده است و نخواهد آمد و تأکید کرد در این روزها به شرکت خیریه یزد اجازه صدور گندم از اصفهان به یزد داده شده بود که از حمل آن‌ها جلوگیری شد (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۷۹۹). تأکید کلنل رابرت (Kolonel Robert) برای

راضی کردن افکار عمومی شهر و روزنامه‌ها نسبت به عدم اجرای درست قانون منع صدور خواربار بود.

تصویب دو قانون در اردیبهشت و خرداد ۱۳۲۱ ش/آوریل و می ۱۹۴۲ م در مجلس شورای ملی، ادارات دولتی و غیر دولتی در اصفهان را برای مقابله با احتکار کنندگان ارزاق عمومی تشویق کرد. قانون منع احتکار که در اوایل اردیبهشت ۱۳۲۱ ش/آوریل ۱۹۴۲ م به تصویب مجلس رسید (آبادیان ۱۳۹۰: ۵) محتکرین را مجبور کرد انبارهای خود را بگشایند. از سوی اداره نظارت اجرای قانون منع احتکار، لیست کالاهایی که احتکار آنها جرم محسوب می‌شد در روزنامه‌ها منتشر شد. دارندگان کالاها و مواد ده‌گانه طرح (۱- غلات ۲- حبوبات ۳- بقولات (انواع سیب زمینی، پیاز) ۴- کنسرو ۵- دهنیات (انواع روغن‌های حیوانی و نباتی و...) ۶- انواع دانه‌های روغنی ۷- انواع خشکبار ۸- قند و شکر، چای، نیشکر، نبات و آب‌نبات ۹- زغال‌سنگ و چوب و انواع هیزم ۱۰- انواع مواد نفتی) موظف شدند صورت موجودی خود را بر روی اوراقی که از طرف انجمن خواربار پخش می‌شد بنویسند و به دفتر فرمانداری تسلیم کنند (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۷۹۸). اداره نظارت اجرایی قانون منع احتکار، طی یک آگهی مجازاتی را برای محتکرین در نظر گرفت.

در اصفهان شهربانی شهر به گزارش‌هایی که درباره احتکار بود رسیدگی می‌کرد. از جمله این اداره در تاریخ ۱۳۲۲/۱/۲۶ ش/۱۹۴۳/۴/۱۶ م مقداری قند و شکر و گندم احتکار شده در منزل شخصی به نام سید عبدالرسول را کشف و ضبط کرد (ساکما ۱۸۷۴-۲۹۱). در مواقعی هم در خود صحنه با محتکرین برخورد می‌شد. برای نمونه در نتیجه گزارش‌های مردم به احتکار نان در مغازه نانویی مقابل هارونیه اصفهان، معاون شهرداری با حضور در محل دستور داد نان‌های موجود، به طور مجانی بین کسانی که مدت‌ها در مقابل آن نانویی صف کشیده بودند توزیع گردد (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۰۲). به افرادی که می‌توانستند اجناس قاچاق را کشف کنند و یا به نوعی محل آن را معرفی نمایند، وعده داده شده بود صدی بیست از وجه جنس را فوراً و صدی پنجاه از مبلغ جریمه دریافتی را دریافت می‌کنند (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۲۰).

همچنین با تصویب قانونی در مجلس شورای ملی در خرداد ۱۳۲۱ ش/۱۹۴۲ م مجلس شورای ملی «برای خرید و جمع‌آوری مازاد غله و سایر موارد خواربار و تأمین وسایل نقلیه به منظور تهیه ارزاق عمومی» (کی‌استوان ۱۳۲۷: جلد اول، ۳۲۲) به دولت اجازه داد تا هر اقدامی که لازم بداند انجام دهد. در راستای این قانون، اداره خواربار اصفهان، صورت

۱۴ نفر از مالکینی که از سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ بدهکار بودند به شهربانی داده بود تا بازداشت شوند (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۰۳).

کلنل رابرت (Kolonel Robert) نماینده وزارت خواربار در اصفهان طی اطلاعیه‌ای در آذرماه ۱۳۲۱ ش/دسامبر ۱۹۴۲م اعلام کرد: «مالکینی که جو و خواربار خود را به اداره خواربار تحویل نمایند، بهای محصول آن‌ها به نرخ رسمی جدید گندم از قرار تنی ۳۵۰۰ ریال و جو از قرار تنی ۲۶۲۲ ریال نقداً به آنان پرداخت می‌شود.» او تأکید کرد: «فقط انبارهایی که مقدار مختصری جنس جهت مصرف شخصی داشته باشند، از طرف دولت ضبط نخواهند شد.» (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۱۱) این تأکید هشدار می‌دهد که به محکومین گندم در اصفهان بود که هر چه زودتر مقادیر گندم خود را اعلام نمایند. همچنین شهرداری و ادارات مربوطه، مرتب لیست قیمت‌ها را در روزنامه منتشر می‌کردند و از اصناف نیز می‌خواستند نرخ اجناس خود را بر روی اجناس بزنند. از مردم نیز خواسته شده بود تخلفات را گزارش دهند.

در کنار اقدامات ادارات دولتی اصفهان برای مقابله با محکومین و سودجویان در شهر اصفهان، طرح جیره‌بندی هم مورد توجه قرار گرفت. شورای شهرستان، در جلسه مورخه ۱۶ آبان ۱۳۲۱ ش/۷ نوامبر ۱۹۴۲م مقرر نمودند برای به دست آوردن مقدار حقیقی آرد شهر و میزان پخت نانوها، با نظارت اداره‌های شهربانی و شهرداری اقدامات لازم انجام شود تا مقدمات جیره‌بندی و تحویل کوپن به شهروندان فراهم گردد (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۰۰).

برای این کار، در ابتدا تابلوها و پلاک خیابان‌ها و کوچه‌های شهر که در گذر زمان اغلب محو یا تراشیده و ناخوانا بود، توسط مأموران شهرداری اصلاح گردید. از روز ۱۵ آذر ۱۳۲۱ ش/۶ دسامبر ۱۹۴۲م مأموران سرشماری با توجه به آگهی اداره آمار، به در منازل ساکنین شهر مراجعه و پس از سوالاتی از رئیس خانواده، در پایان یک برگه سبزرنگی را که نسخه دوم فرم اطلاعات خانوار بود، تحویل رئیس خانه داده و نسخه اول را با خود به اداره مربوطه می‌بردند. پس از آنکه مرحله بررسی شناسنامه‌ها و مراجعه به منازل خاتمه می‌یافت، از اداره خواربار زمان توزیع کوپن، اطلاع‌رسانی شده و در زمان مقرر مأمور با مراجعه به در خانه‌ها، برگه سبز را گرفته و با گرفتن امضا از رئیس خانه در دفتر مخصوص، کوپن‌ها تحویل داده می‌شد. استانداری اصفهان به اهالی شهر که در منزل آرد داشته و می‌توانستند خود نان تهیه کنند، هشدار داد از تقاضای دریافت کوپن خودداری کنند (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۱۰).

برای سهولت دریافت نان‌های جیره‌بندی، ابتدا مکانی را در بازارچه بلند (بازار هنر فعلی) واقع در خیابان چهارباغ و سپس در میدان نقش جهان کنار اداره خواربار در نظر گرفتند (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۱۲). کالاهای دیگری مانند قند و شکر، چای، پارچه، سیگار و تنباکو و تریاک به مرور شامل طرح جیره‌بندی شد. برای نمونه معتادان به تریاک در روز دو گرم و نیم (۴ لول در ماه) سهمیه داشتند. البته لازم بود قبلاً گواهی پزشکی مبنی بر معتاد بودن خود ارائه می‌دادند (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۳۴). طرح جیره‌بندی تا شهریور ۱۳۲۴/سپتامبر ۱۹۴۵م ادامه داشت. آخرین جیره‌بندی در اصفهان مربوط به ماه‌های تیر، مرداد و شهریور ۱۳۲۴ است (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۲۵۶).

در کنار طرح جیره‌بندی، ادارات دولتی و غیردولتی در صدد تأمین اقلامی برمی‌آمدند که شامل جیره‌بندی نبود و احیاناً دچار افزایش قیمت و کمبود می‌شد. در موقعی که زغال در اصفهان با افزایش قیمت مواجه شد، شهرداری اصفهان برای رفاه حال عموم اهالی و همچنین تنزل قیمت، میدان‌هایی برای فروش در بخش‌های پنج‌گانه شهر در نظر گرفت (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۰۹). همچنین شرکت نفت انگلیس و ایران شعبه اصفهان، طی اطلاعیه‌ای با اعلام نرخ نفت از مردم خواست برای تأمین نفت به شعبه‌های این شرکت در دروازه‌تهران و هزار جریب مراجعه کنند (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۱۰).

به مرور کالاهای دیگر هم شامل انحصار گردید. در شهر اصفهان به واسطه سوءاستفاده فروشندگان دخانیات، اداره دارایی اصفهان، طی یک آگهی، کلیه فروشندگان کالای دخانیات را موظف به اخذ پروانه رسمی از این اداره کرد. همچنین حمل و نقل کالاهای دخانیات را به غیر از شرکت دخانیات، برای عموم به کلی ممنوع کرد و به دارندگان پروانه فروش کالاهای دخانیاتی هشدار داد اگر علاوه بر نرخ مقرر کالای دخانی را به فروش برسانند و یا با وجود داشتن موجودی از فروش به مصرف‌کنندگان خودداری نمایند، گذشته از اینکه مورد تعقیب واقع می‌شوند، پروانه آنان نیز مسترد می‌گردد (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۳۳).

در کنار ادارات دولتی و غیردولتی؛ خیرین اصفهانی جهت کاهش تبعات جنگ و کمک به مردم وارد عمل شدند. آنان طی درخواستی از اداره خواربار اصفهان خواستار صدور پروانه نانوبی شدند. همچنین با دعوت سرلشکر زاهدی فرمانده لشکر اصفهان، جمعی از محترمین و ثروتمندان شهر اصفهان در محل باشگاه اصفهان جمع شدند و انجمن خیریه تاسیس کردند. این انجمن کمک‌های مردمی را در سرای بازارچه بلند چهارباغ جمع‌آوری می‌کرد و از طریق معتمدین هر محل به نیازمندان می‌رساند. حتی غذاهای گرم آماده می‌شد

بررسی اقدامات ادارات دولتی و غیردولتی اصفهان در ... (ابوالقاسم باقری و سید علیرضا ابطحی) ۴۳

و در مساجد و محل‌های دیگر بین نیازمندان توزیع می‌گردید. معتمدین هر محل لیستی از افراد مستحق دریافت کمک را تنظیم می‌کردند تا خواربار را بین آنان توزیع کنند (روزنامه اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۱۰)

اما علی‌رغم تلاش ادارات دولتی و غیر دولتی اصفهان برای ساماندهی اوضاع پیش آمده ناشی از اشغال ایران که در صفحات پیشین ذکر آن رفت، اهالی اصفهان در دوران اشغال ایران، همچنان درگیر پیامدهای اقتصادی جنگ به ویژه مشکلات تامین ارزاق مورد نیاز خود بودند. اینکه چرا اقدامات ادارات اصفهان در این دوره نتوانست وضعیت مطلوبی را به ویژه در تهیه ارزاق عمومی اصفهانی‌ها فراهم کند ریشه در عواملی دارد که در ادامه بررسی می‌شود.

۴. علل ناکارآمدی ادارات دولتی و غیردولتی اصفهان در تامین ارزاق عمومی

۱.۴ احتکار ارزاق عمومی در اصفهان در دوران جنگ جهانی دوم

اگرچه قحطی نان و دیگر ارزاق عمومی، بیشتر ناشی از عواملی مانند کمبود بارش‌ها، جنگ و ناامنی، شیوع بیماری‌های انسان و دام و آفت محصولات کشاورزی است؛ با این حال نمی‌توان سوء استفاده محترکین در مواقع قحطی را نادیده گرفت. شواهد و مدارک نشان می‌دهد؛ تلفات زیاد و آدم‌خواری در قحطی ۱۲۴۹ ش / ۱۹۰۹ فقط نتیجه قحطی نبود؛ بلکه احتکار و کمبود مصنوعی ارزاق مردم در ایجاد آن نقش مهمی داشت (کتابی ۱۳۸۴: ۳۶).

نقش این عامل در تشدید قحطی‌ها و کمبود ارزاق عمومی در تاریخ ایران آن قدر موثر بوده؛ که نظر شاعران و روزنامه‌نگاران و نویسندگان را به خود جلب کرده، تنها حریف محترکین را، نزول باران می‌دانسته‌اند که می‌تواند آنها را وادار کند؛ گندم را پای قپان بیاورند (یوسفی فر و شیرین کام ۱۳۹۰: ۱۶۵). و این نظر در باره اصفهان که دارای اقلیمی نیمه خشک و کم بارش است؛ مصداق بیشتری دارد.

اصفهانی‌ها، پیش از جنگ جهانی دوم، چندین مرتبه قحطی و مصائب ناشی از آن را تجربه کرده بودند؛ که می‌توان به قحطی‌ها دوران اخیر در سال‌های ۱۲۴۹ ش / ۱۸۷۰ م، ۱۲۸۸ ش / ۱۹۰۹ م، ۱۲۹۶ ش / ۱۹۱۷ م اشاره کرد (کتابی ۱۳۸۴: ۵۶-۵۷-۵۸-۹۲-۹۳). در این قحطی‌ها، یکی از عوامل موثر در تشدید وخامت اوضاع و ناتوانی مردم در تامین

ارزاق خود، معضل احتکار بوده است. در جنگ جهانی اول، یکی از عوامل مهم قحطی در اصفهان طمع احتکارکنندگان بوده است (رجایی ۱۳۸۶: ۳۰۲). در دوران جنگ جهانی دوم و با اشغال ایران و با توجه به ضربه وارد شده بر نظام سیاسی کشور، محتکرین از فرصت استفاده کرده؛ به سود جویی پرداختند. اشغال ایران چندی پس از خاتمه فصل برداشت غله اتفاق افتاد و این به تولید کنندگان گندم و محتکران آن فرصت داد تا محصولات خود را انبار کرده از عرضه آن خوداری کنند (بولارد ۱۳۶۴: ۸۴). البته فقط عوامل داخلی به احتکار اقدام نمی کردند. عوامل متفقین و حتی طرفداران آلمان در اصفهان نیز به احتکار ارزاق مردم دست می زدند (آذربایجانی ۱۳۹۳: ۵۰). برخی منابع، نقش متفقین را در احتکار ارزاق عمومی بیش از محتکرین داخلی دانسته اند (آوری، بی تا: ۲۱۲) با این حال در مطبوعات اصفهان این دوره، انگشت اتهام نویسندگان اصفهانی بیشتر به سمت هم شهری های محتکر و سود جو خود بوده است. هرچند وجود سانسور متفقین بر مطبوعات ایران، از بیان ابعاد احتکار انجام شده توسط متفقین در اصفهان می کاست.

در هر صورت احتکار ارزاق عمومی شرایط طاقت فرسایی را برای اصفهانی ها در گذران زندگی ایجاد کرد. مردم اصفهان که تجارب تلخی از سوء استفاده احتکار کنندگان در جنگ جهانی اول داشتند؛ طی نامه ها و تلگراف هایی به فروغی، نخست وزیر وقت، خواستار توجه به وضع نامناسب ارزاق عمومی به خصوص نان در اصفهان شدند. آنها تاکید داشتند؛ هنوز نمی دانند که این گرانی در نتیجه نبودن گندم یا علل دیگر است (ساکما ۲۶۱۶-۳۱۰). به نظر می رسد منظور مردم اصفهان از «علل دیگر» در تلگراف های فوق، همان طمع ورزی محتکرین بوده است. این مطالب را می توان در روز نامه ها و منابع دیگر تاریخ اجتماعی اصفهان در این دوره کنکاش کرد. خیلی از مطالب روزنامه های اصفهان در این دوره بر تقبیح عمل محتکرین و نقش آنان در بوجود آمدن قحطی ارزاق عمومی است. برای نمونه یک شهروند اصفهانی سهم قابل توجهی به محتکرین در بوجود آمدن وضعیت اسف بار ارزاق عمومی می دهد و می نویسد: آن «محتکر بی وجدانی که حاضر است کالای مورد نیازمندی برادران خود را گرد آورده و بفروش برساند یا آنکه به امید استفاده های غیر مشروع احتکار می نماید یک قسمت عمده مسئولیت این وضع را بعهده دارد» (اخگر ۱۳۲۱: ۱۷۸۹). در مذمت محتکرین شهروند دیگر اصفهانی این طور می نویسد:

سبحان ... چه افق تیره و تاری! در باختر آتش جنگ مشتعل است در خاور مردم میسوزند! در آنجا مردان بزرگ و افراد سلحشور برای آزادی نهائی یا کشور گشایی آنی

بررسی اقدامات ادارات دولتی و غیردولتی اصفهان در ... (ابوالقاسم باقری و سید علیرضا ابطحی) ۴۵

نمی آسایند... در اینجا... دیگری، خروارها غله و حبوبات بلا مصرف در انبار انباشته و قهقهه می زند (اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۰۱).

محتکرین به احتکار ارزاق مردم در دوران اشغال ادامه می دادند و پروایی در این مورد نداشتند. بی شک عملکرد دولت و ادارات اصفهان و همچنین مردم در دوران اشغال ایران در این زمینه تاثیر داشت. برای نمونه تاخیر اقدام ادارات دولتی اصفهان در مدیریت گندم مازاد به مالکان فرصت می داد به بهانه های الف: تفاوت قیمت بازار آزاد گندم و دیگر ارزاق عمومی با نرخ های مصوب خرید دولتی ب: عدم پرداخت به موقع بهای گندم خریداری شده از سوی دولت ج: سوءاستفاده مأمورین ارزیابی کننده از تحویل گندم به اداره خواربار خودداری کرده آن را احتکار و با قیمت بالاتری بفروشد. مثلا ماموری که مقدار گندم مالک را تخمین می زد از او رشوه می گرفت و بار گندم او را نصف تخمین می زد؛ و بدین شکل به مالک اجازه می داد مابقی محصول خود را انبار و با قیمت بیشتری بفروشد (اخگر ۱۳۲۰، ۱۶۹۰) در این سالها بهای گندم در بازار آزاد تنی ۵۰۰۰ ریال بود ولی دولت آن را از مالکان و کشاورزان ۳۷۵۰ ریال می خرید (کتابی ۱۳۷۷: ۱۴۷).

هفته نامه سپنتا که در اصفهان چاپ می شد؛ دولت را مقصر اصلی احتکار ارزاق عمومی می دانست. به خاطر اینکه با وجود نیاز مبرم به گندم، آن را سرخرمن و به صورت مستقیم از مالکان و زارعان نمی خرید و فرصت را برای سوءاستفاده در اختیار محتکرین و واسطه ها قرار می داد (دهقان نژاد و لطفی، ۵۳). آنان گندم احتکاری خود را که خرواری سیصد ریال قیمت داشت تا هشتصد ریال می فروختند (رجایی ۱۳۸۷: ۳۹۳) البته همانطور که قبلا ذکر آن رفت؛ ادارات اصفهان، برای گرفتن مازاد گندم و جلوگیری از احتکار آن اقداماتی انجام دادند. اما این اقدامات در اجرا فاقد ضمانت اجرا و پیگیری لازم بود.

اگرچه ادارات دولتی بعضی از ارزاق را برای تضمین توزیع آن به انحصار خود در می آوردند ولی همین مسئله بر تشدید احتکار اثر می گذاشته است. (نقش جهان ۱۳۲۴: ۲۹۵). در مواردی مسئولین ادارات اصفهان به جای مدیریت اوضاع، خود اقدام به اختلاس و احتکار می کردند. ریاست وقت سیلوی اصفهان به احتکار ۲۰۰ تن از گندم اصفهان متهم شده بود (ساکما: ۳۳۳۱ - ۲۹۱) با اینکه قانون مجازات محتکرین تصویب شد؛ و مواردی از برخورد با محتکرین هم انجام شد؛ ولی مردم نسبت به اجرای درست و قاطع آن توسط ادارات دولتی و غیر دولتی اطمینان نداشتند (اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۰۵) همچنین مردم معترض بودند که سرنوشت ارزاق عمومی احتکاری ضبط شده برای آنان معلوم نیست.

با این که پیامدهای ناگوار احتکار ارزاق عمومی متوجه مردم بود با این وجود، عملکرد خود آنان به تشدید بحران کمک می کرد. جنگ و اشغال ایران و ادامه آن، بر روح و روان و رفتار مردم کشور از جمله اصفهان تاثیر گذاشت؛ و تقاضا برای ارزاق عمومی را افزایش داد. این مسئله بر نتایج موفقیت آمیز اقدامات دولتی اثر می گذاشت. در نانوهای شهر اصفهان مردم برای تهیه نانی سیاه که آمیخته با خاک اره و افزودنی های دیگر بود از سر و کول هم بالا می رفتند و کتک کاری می کردند تا بتوانند خود را به نانو نزدیک کنند و قطعه نانی بگیرند (ادیب ۱۳۸۴: ۱۹۰). برخی مردم به انبار کردن گندم و آرد در خانه اقدام می کردند؛ که این مسئله باعث شد؛ استاندار اصفهان به این عمل اعتراض و آنان را تهدید کند که در صورت کشف ارزاق، طبق قانون منع احتکار با آنها برخورد می شود (اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۱۰). تفاوت قیمت نان دولتی با قیمت آزاد آن در اطراف اصفهان منجر باعث شد یک عده روی احتکار و قاچاق نان به عنوان راه کسب درآمد حساب کرده نان های اصفهان را از شهر خارج کنند. استاندار اصفهان میزان مصرف آرد اصفهان را در سال ۱۳۲۲ ش/ ۱۹۴۳ م حدود یکصد ده خروار اعلام و گفته بود ما یکصد و شصت خروار به نانو ها تحویل می دهیم. (نقش جهان ۱۳۲۲: ۳۴) اختلاف موجود بین آرد تخصیصی و نان مورد نیاز شهر به اضافه قوت و غذای بسیاری از اصفهانی ها توسط محتکران و قاچاقچیان نان از اصفهان خارج می شد.

به طور خلاصه می توان گفت اگرچه کمبود و افزایش قیمت ارزاق عمومی امری گریزناپذیر بود ولیکن هیجان و ترس عمومی به همراه عوامل دیگر به خصوص احتکار کنندگان ارزاق عمومی سبب شد از یک سو عرضه و تأمین ارزاق عمومی به اشکال مختلف کاسته شود و از سوی دیگر قیمت ها با سودجویی دست اندرکاران توزیع و مصرف کنندگان ارزاق به شدت افزایش یابد و در نتیجه مردم اصفهان شرایط سختی را داشته باشند.

۲.۴ تأثیرات حضور متفقین بر ناکارآمدی ادارات اصفهان در تأمین ارزاق

عمومی

حضور اشغالگران بر امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور و ناکارآمدی ادارات در تأمین ارزاق عمومی در شهرها تأثیر گذاشت. در طول مدت اشغال ایران و در نتیجه عملیات پولی آنان ارزش پول ایران کاهش یافت و نرخ برابری ریال و لیره استرلینگ از ۶۸ به ۱۴۰ ریال

رسید (کاتوزیان ۱۳۷۲: ۱۷۷-۱۷۸). پذیرش کاهش ارزش پول ملی از سوی دولت در سال ۱۳۲۰ش به اندازه ۵۰ درصد، اجازه داد کالاهای ضروری، آسان‌تر به اشغالگران فروخته شود (دیگار و دیگران ۱۳۷۷: ۱۲۷). آنان از این فرصت جهت مخارج خود به خصوص تهیه ارزاق استفاده می‌کردند.

با اینکه مقامات کنسولی شوروی و انگلیس و مقامات آمریکایی (از طریق کنسول انگلیس) به‌طور رسمی از طریق استانداری و فرمانداری احتیاجات خود (آرد، قند، شکر، لاستیک و...) را در شهر اصفهان تأمین می‌کردند (ساکما: ۲۹۱-۳۱۹۹ و ۷۱۲-۲۹۱)، اما اقدام غیررسمی دولت‌های متفق در جهت سیر کردن شکم سربازان خود از قوت و غذای مردم اصفهان در تشدید کمبود و افزایش قیمت سرسام‌آور ارزاق عمومی موثر بود. اگرچه آمار رسمی از تعداد نیروی متفقین در اصفهان در دسترس نیست با این وجود نیروهای متفقین به‌ویژه در راستای مأموریت‌های خود از جمله تأمین امنیت راه‌های این منطقه و رفتن به مناطق دیگر، مرتب در قالب تعداد قابل توجه در اصفهان برای مدتی مقیم می‌شدند (ساکما ۲۹۱-۳۲۵۹ و ۲۸۲۸-۲۹۱). به علاوه، مقدار قابل توجهی ارزاق عمومی به خارج ایران برای مصرف نیروهای خود منتقل می‌نمودند. گزارش شهرداری اصفهان در تاریخ ۱۰ آذرماه ۱۳۲۰ش/اول دسامبر ۱۹۴۱م به وزارت کشور، مؤید این امر است که افسران انگلیسی و کارگزاران آن‌ها در اصفهان، به سرعت اقدام به خرید ارزاق و کالاها کرده‌اند. این مسئله حساسیت و نفرت مردم اصفهان را برانگیخت؛ زیرا بر این باور بودند که: «کلیه این وضعیت و سختی در نتیجه عملیات و اقدامات انگلیس‌ها بوده» است (ساکما ۲۶۱۶-۳۱۰). تأثیر حضور نیروهای اشغالگر در اصفهان را می‌توان در اشعار فکاهی مردم اصفهان و در قصه «بچه کل شعبون و مهمون» فهمید که «مهمون» اشاره به ورود اشغالگران (متفقین) دارد^۲ (اخگر ۱۳۲۱: ۱۸۰۷).

علی‌رغم تعهد متفقین به دولت ایران مبنی بر اینکه استفاده آنان از وسایل نقلیه ایران مانعی برای تأمین مایحتاج مردم ایران نخواهد بود (راعی ۱۳۸۴، جلد اول: ۵۲)، آنان سیستم حمل‌ونقل ایران را در اختیار گرفته و عاملی بر تشدید کمبود ارزاق مردم شدند. در سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۴م که سالی کم‌محصول بود، متفقین قریب ده‌هزار تن غله با همان قیمتی که دولت از مالکان می‌خرید از دولت ایران خریداری کرده از مرز خارج ساختند (کی‌استوان ۱۳۲۷، جلد اول: ۱۲۲-۱۲۳). متفقین حتی از کمبود ارزاق عمومی برای رسیدن به اهداف سیاسی خود بهره می‌گرفتند. رفتار دولت و نیروهای شوروی در این زمینه قابل

توجه بود. آنان از صدور غله از مناطق غله خیز به سایر نقاط خودداری می کردند (پیتر آوری بی تا، جلد دوم: ۲۱۴).

بهره گیری از خدمات مستشاری متفقین برای اصلاح امور نیز، نه تنها کمکی به حل مشکل ارزاق عمومی نکرد، بلکه توانمندی داخلی را نیز تحت الشعاع قرار داد. در ابتدا، شریدان آمریکایی (Sheridan) و در ادامه آرتور میلسپو (Arthur Millsbaugh) به کار گرفته شد. او به محض شروع به کار، سازمان های عریض و طویل با کارمندان تازه کار استخدام کرده و به ۳۴ اداره قبلی اداره دارایی، ۹ اداره دیگر اضافه کرده بود (یکتایی ۱۳۵۲: ۱۹۶-۱۹۷). مخالفان میلسپو معتقد بودند با ورود او به دارایی، این دستگاه همان کارایی نسبی خود را نیز از دست داده بود (کی استوان ۱۳۲۷، جلد اول: ۸۴). میلسپو خود به ناکارآمدی و عدم اولویت بندی کارها اعتراف و اظهار تأسف کرده بود که چرا وقت و نیروی سازمان خود را برای اقدامات پیش پا افتاده ای نظیر مصادره اتومبیل های شخصی برای مصارف عمومی و نظارت بر کاغذ روزنامه ها تلف کرده است (میلسپو ۱۳۵۶: ۱۴۹). بالا بودن حقوق مستشاران خارجی نسبت به کارمندان ایرانی نیز در اداره امور خلل ایجاد می کرد و انگیزه مقامات و کارمندان ایرانی را برای بهبود اوضاع می کاست. بعضی از منابع اختلاف حقوق مستشاران آمریکایی نسبت به کارمندان ایرانی را شش الی هفت برابر اعلام کرده اند (ایوانف ۱۳۵۶: ۱۰۲).

حضور مستشاری متفقین در اصفهان علی رغم برخی از حمایت ها، با انتقاداتی روبه رو بود. وینز (vince) آمریکایی که بعد از رابرت (Robert) انگلیسی مسئول اداره دارایی اقتصادی اصفهان شد، از عملکرد اداره جیره بندی سابق، به واسطه بالا بودن هزینه ها و وقت تلف شده اجرای طرح و همچنین سوء استفاده کارکنان شاکی بود و مدیریت خود را منشأ تحولات جدید در این اداره دانست (روزنامه آتشگاه ۱۳۲۳: ۳۳). جالب اینکه وینز آمریکایی، خود در اداره خواربار مورد انتقاد شرکت های اصفهانی از جمله شرکت سهامی کالای دخانیات اصفهان قرار داشت که نام برده مانع قرارداد اداره کل دخانیات کشور با شرکت مذکور شده است (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۴: ۲۶۹). همچنین بعضی مواقع دیدگاه و نظر مستشاری با راه حل های محلی تعارض داشت. وقتی که مشکل نان در اصفهان حاد شد یکی از تدابیر مقامات محلی اصفهان تشکیل شرکت های توزیع نان و کاستن مسئولیت اداره خواربار در اصفهان بود؛ اما میلسپو با این تصمیم مخالفت کرده و همچنان اداره خواربار را مسئول خرید گندم دانست (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۵۳). مقامات متفقین، بدون موافقت

یا هماهنگی با ادارات اصفهانی مستشاران خارجی را استخدام و یا تغییر می‌دانند. برای نمونه، انگلیسی‌ها شامبرک (shamberg) را جایگزین کنل رابرت (colonel Robert) در اداره خواربار کردند، بدون اینکه مقامات اصفهان را در این باره مطلع کنند (ساکما ۹۷/۲۹۳/۳۴۶). آقای ژوئل انگلیسی که از طرف رئیس غله و نان وزارت دارایی به اصفهان اعزام شده بود رأساً به جمع‌آوری وجه جهت امور خیریه از ثروتمندان اصفهان اقدام می‌کرد که با مخالفت دولت ایران مواجه شده بود (راعی ۱۳۸۴، جلد اول: ۲۹۵-۲۹۶).

پس از کشیده شدن جنگ به خاورمیانه، کمیته خاورمیانه، با هدف تأمین مایحتاج کشورهای درگیر جنگ، توسط انگلیس و آمریکا تشکیل شد. برای هر کشور سهمیه کالاهای اساسی در نظر گرفته شد. برای ایران به‌خصوص برای اجناس شکر و چای سهمیه‌ای تعیین شده بود. کمک‌های این کمیته برای ایران زیاد مؤثر نبود؛ چرا که اولاً: به اندازه کافی و مطابق جمعیت ایران سهمیه‌ای اختصاص نمی‌داد و ثانیاً: خیلی از مواقع به دلیل اهمال طرف‌های ایرانی برای دریافت، اجناس آن‌ها به‌موقع نمی‌رسید و یا تمام اجناس یک زمان یک‌جا می‌رسید و انتقال آن به شهرها به دلیل ظرفیت پایین بنادر و حمل‌ونقل امکان نداشت. این مسئله در کار جیره‌بندی در شهرها به‌خصوص اصفهان اخلال ایجاد می‌کرد. به گفته آقاجانی (۱۳۹۷): مردم کوپن داشتند ولی جنسی نبود و به مراجعه‌کنندگان گفته می‌شد هفته بعد بیاید؛ یا اینکه به دلیل تجمع اجناس و رسیدن رطوبت به آن‌ها این اجناس کیفیت خود را از دست می‌داد. مثلاً شکر به دلیل رطوبت و رسیدن آب به آن به صورت تکه‌ای در می‌آمد. هرچند به دلیل وخامت اوضاع، مردم اصفهان همین را نیز غنیمت شمرده مصرف می‌کردند. خیلی از مواقع مقامات اصفهان ناچار بودند جنس کوپنی را با جنس مرغوب مخلوط کرده بین مردم توزیع کنند. وینز مدیر کل دارایی اصفهان مدعی بود از مرکز درخواست چای غیرمخلوط کرده تا بتواند با چای موجود در اصفهان مخلوط کرده و چای با کیفیت‌تری توزیع کند تا بتواند خود و دستگاهش را از اتهامات تبرئه کند (روزنامه آتشگاه ۱۳۲۳: ۳۳).

۳.۴ ناهماهنگی ادارات دولتی اصفهان با یکدیگر و با ادارات تهران

این عامل نیز باعث شد تصمیمات و اقدامات ادارات اصفهان برای مدیریت و تأمین ارزاق مردم نتیجه مطلوب را نداشته باشد که می‌توان در چند بخش آن را برشمرد. اول اینکه بین ادارات دولتی اصفهان و تهران برای کنترل اوضاع نابسامان ارزاق عمومی ناهماهنگی وجود

داشت. برای نمونه، وزارت دارایی و فرمانداری اصفهان در نامطلب بودن وضع نان شهر همدیگر را مقصر می‌دانستند. وزارت دارایی مدعی بود دولت به دلیل کمبود گندم محلی اصفهان و حمل از سایر نقاط به این شهر، زیان زیادی را متحمل شده و فرمانداری اصفهان را متهم می‌کرد که نظارت کافی بر نانوایان ندارد و آنان نان را با هر قیمت و کیفیتی به مردم می‌فروشند. وزیر دارایی طی نامه‌ای در اول آذر ۱۳۲۰ ش/۲۲ نوامبر ۱۹۴۱ م به نخست‌وزیری تأکید می‌کند:

نان در اصفهان هر سه کیلو ۳/۶۰ [سه ریال و ۶۰ دینار] است [قیمت تمام شده] و اگر هر کیلو دو ریال حقیقت داشته باشد دغلكاری نانوایان است که باید از طرف فرمانداری و شهرداری مورد تعقیب و بازخواست قرار گیرند (ساکما ۳۱۰-۲۶۱۶).

در مقابل فرمانداری اصفهان معتقد بود وزارت دارایی واقعیت نان اصفهان را نپذیرفته و از قبول مسئولیت خودداری می‌کند. این اداره طی نامه‌های مورخه ۱۳۲۰/۸/۱۴ و ۱۳۲۰/۸/۲۸ ش/۱۳۲۰/۵/۱۱/۱۹ م و ۱۹۴۱/۱۱/۱۹ م به وزارت کشور پاسخ داد: «اصولاً تاکنون از طرف اداره دارایی اقتصادی آرد یا گندمی به نانوایان داده نشده که بتوان از دغلكاری نانوایان جلوگیری کرد.» (ساکما ۳۱۰-۲۶۱۶) در این زمینه در آبان‌ماه ۱۳۲۰ ش فرمانداری به نانوایان اجازه داد که علاوه بر سهمیه دولتی خودشان آزادانه هم آرد تهیه کنند که این تصمیم با مخالفت وزارت دارایی روبه‌رو شده که معتقد بود انبار غله اصفهان کافی است (ساکما ۳۱۰-۲۶۱۶).

دوم اینکه ناهماهنگی بین ادارات محلی اصفهان نیز وجود داشت و مردم را در تأمین ارزاق عمومی به مشکل می‌انداخت. برای نمونه، ناهماهنگی اداره خواربار و اداره فرهنگ، مدت‌ها مردم اصفهان را برای تهیه پارچه سرگردان کرد. به موجب تصمیم اداره خواربار اصفهان قرار شد برای تأمین پارچه مورد نیاز مردم، مکان‌هایی برای فروش تحت نظارت اداره دارایی اختصاص یابد. با این وجود تا هفته‌ها این تصمیم عملی نشد، تا اینکه به‌ناچار در ابتدا مسجد جامع اصفهان و سپس مسجد حکیم برای این کار در نظر گرفته شد؛ اما اداره فرهنگ اصفهان به دلیل آسیب ندیدن این بناها، با اختصاص دادن آن‌ها برای این کار مخالفت کرد و پس از چند روز سرگردانی تعداد زیادی از مردم، در نهایت مغازه‌هایی در میدان شاه تعیین شد. ولیکن در آنجا نیز عاملین فروش پس از چند روز تأخیر در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۲۱ ش/۱۳ آوریل ۱۹۴۲ م اقدام به بازگشایی مغازه نموده و پس از ساعتی فروش با اعلام اینکه دیگر جنسی ندارند مغازه‌های خود را می‌بستند و در نتیجه باز مردم

سرگردان می‌شدند. درباره این منظر زشت در شهر، شهربانی در گزارشی به فرمانداری یادآوری کرده این وضعیت ممکن است به اعتراض و بی‌نظمی در شهر به مانند بلوای نان منجر شود و خواسته بود که اداره اقتصاد، اگر پارچه‌ای ندارد، صریحا به مردم بگوید (ساکما ۸۲۳۴۶-۲۹۱).

عدم هماهنگی ادارات اصفهان باعث شد پاسبانان اصفهان که خود مجری برخی طرح‌های مدیریت ارزاق بودند برای تأمین نان با مشکل روبه‌رو شوند. اسنادی از مکاتبات استانداری، شهربانی، فرمانداری و اداره خواربار اصفهان در اواخر سال ۱۳۲۱ش و اوایل ۱۳۲۲ش/۱۹۴۲م موجود است که نشان می‌دهد طبق توافقات قرار بوده روزی دو کیسه آرد به میزان ۱۸۰ کیلو به نرخ دولتی در اختیار شهربانی قرار گرفته تا به پاسبانان بدهد ولی به دلیل عدم تأمین نان توسط اداره خواربار، شهربانی ناچار بوده با نرخ آزاد آن را تهیه کند. همچنین مکاتبات شهربانی با اداره خواربار برای تهیه نان زندانیان شهر نیز نتیجه‌ای نداشته تا اینکه در جلسه‌ای قرار می‌شود ۸۰۰۰۰ ریال از حساب حمایت از زندانیان به اداره شهربانی قرض داده شود تا بعدا به حساب بازگردانده شود (ساکما ۳۳۳۱-۲۹۱).

سوم اینکه رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی و خرده حساب‌های شخصی مقامات سیاسی و اداری شهر نیز اقدامات ادارات اصفهان برای مدیریت ارزاق عمومی را کم‌اثر می‌ساخت. یکی از پیمانکارانی که مازاد گندم شهر اصفهان و اطراف را برای تحویل به اداره خواربار جهت تهیه آرد نانوایا جمع‌آوری می‌کرد از کار برکنار شد و مدت‌ها گذشت تا جایگزینی برای او پیدا شود و در این مدت طرح جمع‌آوری مازاد گندم مختل گشت. این شخص علت برکناری خود از پیمانکاری دریافت مازاد گندم از کشاورزان را سوابق انتخاباتی مخالف تمایلات سیاسی صارم‌الدوله دانسته بود و مدعی بود به واسطه گرایش‌های سیاسی خلاف صارم‌الدوله با القائنات و تحریکات او از کار برکنار شده است (ساکما ۳۳۳۱-۲۹۱). چهارم اینکه التهابات سیاسی در اصفهان نیز در عدم کارایی ادارات دولتی در تأمین مایحتاج مردم اصفهان مؤثر بود. ادارات اصفهان به‌ویژه استانداری، فرمانداری و شهربانی و همچنین مدیران کارخانجات که نقش مهمی را در اداره امور داشتند در مدت چهار سال اشغال ایران درگیر حل اختلافات و نزاع‌های گروه‌های سیاسی و کارفرمایان و کارگران بودند.

ادارات دولتی، اصناف را مکلف به فروش اجناس به نرخ معینی می‌کردند؛ اما تسهیلات و یا معافیت‌هایی برای آنان در نظر نمی‌گرفتند. در نتیجه، تهدیدات و نظارت دولت بر قیمت و میزان مایحتاج نتیجه نداشت. دولت نظارت خاصی بر کارخانجات نداشت و

مدیران کارخانه بدون ضابطه قیمت‌ها را افزایش می‌دادند. سوءاستفاده کارمندان دولتی نیز در ناکامی این طرح‌ها اثر داشت. برای مثال، کمیته مرکزی حزب توده، از اختلاس دویست تنی گندم توسط یکی از مقامات سیلوی اصفهان خبر داد (ساکما ۳۳۳۱-۲۹۱). اعتصابات کارگران نانو‌ها چه به خاطر ملاحظات کارگری و چه شخصی طرح‌های تأمین نان را دچار اشکال می‌کرد. برای نمونه، در تاریخ ۱۳۲۳/۳/۲۲ ش/۶/۱۲/۱۹۴۴م یکی از واحدهای نانوايي مهم اصفهان با چندین نفر اعتصاب می‌کند. کارگران توسط شهربانی مورد بازجویی قرار می‌گیرند. یکی از کارگران به نام حیدرعلی، در بازجویی می‌گوید: «بواسطه اینکه نماینده کارگران دکان نانوايي رضا توصیفیان بوده و محمود نامی را در عوض [به‌جای] او به کار گمارده» سایر کارگران نیز در حمایت از او دست از کار کشیده‌اند (ساکما ۳۳۳۱-۲۹۱).

۴.۴ اشکالات اقدامات و برنامه‌های ادارات دولتی اصفهان

اقدامات و برنامه‌های دولتی ادارات اصفهان نیز چه از لحاظ محتوایی و چه اجرایی، اشکالاتی داشت و در نتیجه نتوانست کمکی اساسی به حل مسئله کند. اجرای طرح اجبار مالکان برای فروش مازاد گندم در اصفهان اشکالاتی داشت. اول اینکه طرح خرید مازاد غلات دوام و پیوستگی لازم را نداشته است؛ چرا که تا اجرای این سیاست خیلی از غلات فروخته می‌شد و دوباره در دوره پاییز و زمستان مسائل مربوط به نان شروع می‌شده است. ادارات مربوط، به موقع خرید مازاد گندم را انجام نمی‌دادند و مازاد گندم به طرق دیگر در بازار به فروش می‌رسید و یا قاچاق می‌شد و به خصوص موقع پاییز و زمستان کمبودها خود را نشان می‌داد و مردم را در مضیقه تأمین نان قرار می‌داد.

دوم اینکه، برای جمع‌آوری گندم نیاز به نیروی امنیتی کافی و پشتوانه قانونی بود؛ اما در اصفهان نیروی کافی برای این کار در نظر گرفته نشده بود و به‌علاوه خلأ قانون هم وجود داشت. مالکین از سپردن تعهد به دولت خودداری می‌کردند و آن‌ها هم که تعهد داده بودند، از عمل به تعهدات در فروش گندم به دولت خودداری می‌کردند. گماشتگان و طرفداران مالکین، سر زمین‌ها مانع می‌شدند تا مأمورین میزان تعهدی گندم مالکان را بگیرند (ساکما ۳۱۰-۲۶۱۶). سوم اینکه تخمین مازاد غله مالکین کار ساده‌ای نبود و برخی مالکین رقم واقعی محصول خود را نمی‌گفتند تا بتوانند آن را به قیمت بیشتری در اصفهان و خارج اصفهان به فروش برسانند. مثلاً مردم اصفهان مقدار تخمین مازاد گندم مناطق دولت‌آباد،

افجون و زیار که هر سه از مناطق بزرگ کشاورزی اصفهان بودند را درست ندانسته و از اداره خواربار انتظار داشتند صورت مازاد گندم مناطق یاد شده در روزنامه‌ها منتشر شود. آن‌ها شکایت داشتند که مالکین مناطق مذکور، گندم را با قیمت‌های بیشتر در خارج اصفهان از جمله یزد به فروش می‌رسانند (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۲۶). به دلیل اینکه گندم مناطق اطراف مانند یزد و کرمان از اصفهان تأمین می‌شد، کمبود گندم بر این مناطق تأثیر داشت و مالکان می‌توانستند با قیمت بالاتری آن را به فروش برسانند.

چهارم اینکه در اصفهان مأمورین خرید مازاد گندم، سوءاستفاده کرده موقع تخمین گندم، از مالکین رشوه می‌گرفتند و محصول آن‌ها را کم‌تر تخمین می‌زدند و در نتیجه مالک می‌توانست نصف جنس خود را تحویل دولت ندهد. شرایط بد اقتصادی و حقوق پایین کارمندان و عدم نظارت کافی، زمینه سوءاستفاده مأموران را فراهم می‌کرد. پنجم اینکه بعضی از مواقع دولت از پرداخت به موقع طلب مالکان و کشاورزان خودداری می‌کرد که این مسأله از انگیزه آنان برای فروش محصولات خود به دولت می‌کاست. ششم اینکه دولت در اعلام قیمت محصول خریداری شده تأخیر داشت و این بلا تکلیفی مالکان را تشویق به فروش آزاد می‌کرد. هفتم اینکه برکناری بعضی از مقاطعه‌کاران از مسئولیت جمع‌آوری گندم به دلیل سوءاستفاده و سپردن وظایف آنان به دیگران، وقت زیادی را تلف می‌کرد که این موضوع هم در طرح جمع‌آوری مازاد گندم ایجاد اشکال می‌کرد. تخمین مازاد گندم در زمان مناسب نبود و احیاناً محصول تا زمان برداشت دچار آفت و بادزدگی می‌شد (ساکما ۳۳۳۱-۲۹۱). هشتم اینکه علاوه بر مطامع و ملاحظات مالکان و کشاورزان، آنان معتقد بودند دولت غله خریداری شده را برای رفع احتیاجات متفقین و یا فرستادن به خارج جمع‌آوری می‌کند (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۴: ۲۲۵) و بنابراین انگیزه‌ای برای پاسخ به حس همدردی با همشهریان خود در آن شرایط دشوار اشغال ایران نداشتند.

علاوه بر نکات و ایرادات ذکر شده در طرح فروش مازاد غلات، از جنبه دیگر مقامات مسئول، بین مناطق اصفهان و هم بین اصفهان و مناطق دیگر کشور اختلاف می‌گذاشتند. اتحادیه کشاورزان ماربین اصفهان، طی نامه‌ای به استانداری مدعی شد که ماربین به غیر از چند روستا که عمده مالک دارد مابقی از عهده نان خود نیز ناتوان هستند و محصولات آنان دچار خشکسالی و آفت‌زدگی شده و بخش مهمی از زمین‌های آنجا به صیفی و تنباکو اختصاص دارد (ساکما ۳۳۳۱-۲۹۱). همچنین بین اصفهان و مناطق دیگر در مبنای حداقلی برای محاسبه مازاد گندم، تمایز وجود داشت که به ضرر خرده‌مالکان اصفهانی تمام می‌شد.

به موجب طرح میلسپو برای دریافت مازاد غله، افرادی که تا دو تن محصول داشتند، معاف از پرداخت مازاد خود بودند. این قانون در اصفهان بر اساس ماخذ بذرا اجرا شده و همه مالکان اعم از خرده مالکان و بزرگ مالکان (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۱۲) را در برمی گرفت و باعث کمبود غلات در روستاهای اصفهان و تبعیض بین اصفهان و سایر استانها و مالکان بزرگ و خرده مالکان می شد و انگیزه مالکان و کشاورزان برای فروش مازاد گندم را از بین می برد.

طرح جیره بندی نیز آسیبها و تبعات خود را داشت. برخی از خانوادهها از ارائه درست تعداد افراد خانواده خود خودداری می کردند. در دوران طرح جیره بندی تعداد موالید اصفهان و درگذشتگان نسبت معقولی نداشت. این نسبت در بهمن ماه ۱۳۲۲ ش/فوریه ۱۹۴۴م هفتصد نفر تولد در برابر ۲۳ نفر فوت شده، بوده است (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۱۳).

علی رغم آنکه اداره خواربار برای مجازات متخلفین در تشکیلات کوپنی، مجازاتی از قبیل اخراج کارمندان از اداره خواربار، حذف عاملیت فروش و اعلان اسامی آنها در روزنامهها را در نظر گرفته بود، با این وجود، تشکیلات جیره بندی، زمینه سوءاستفاده کارمندان، دلالان و بورس بازان را فراهم کرد. وینز آمریکایی مدیرکل دارایی اصفهان، درباره عملکرد جیره بندی سال ۱۳۲۲ ش/۱۹۴۳-۱۹۴۴م اعلام کرد: «در این سال، اداره خوار و بار در شهر اصفهان ۱۷۶۰۰۰ کوپن توزیع کرد. در حالی که بیش از ۲۳۵۰۰۰ جیره توزیع شده؛ ولی با این وجود، هزاران نفر در صحن اداره با در دست داشتن کوپن فریاد می زدند که به کوپن آنها جیره نمی دهند و هزاران نفر هم در آن جار و جنجال از سر جیره خود گذشتند.» (روزنامه آتشگاه ۱۳۲۳: ۳۳) اجناس جیره بندی در بازار به قیمت چند برابر یافت می شد. برای نمونه، در شهر اصفهان هر شش کیلو قند که در نظام کوپنی، تقریباً ۱۱۰ ریال بود، به ۸۰۰ ریال فروش می رفت (روزنامه نقش جهان ۱۳۲۲: ۱۲).

برخی از عاملین فروش جیره کمتری به مردم می دادند. دست اندرکاران سیستم توزیع اقلام جیره بندی، اجناسی که برای مصرف نظام جیره بندی بود، با قیمت آزاد در بازار به فروش می رساندند. وزارت خواربار در پاسخ شکایت مردم اصفهان نسبت به توزیع اجناس سهمیه بندی به فرمانداری اصفهان این طور گزارش می دهد: «در اول سال ۱۳۲۱ ش/۱۹۴۲م موجودی انواع برنج در اصفهان بقدر کفایت بوده [اما] رئیس وقت اداره پس از مقداری که

به مصرف رسیده بود بقیه را بطور آزاد دستور فروش می دهد که پرونده امر در دادسرا تحت تعقیب می باشد (ساکما ۳۷۴-۲۹۱).

طرح جیره بندی و تأمین اجناس آن، تداوم نداشت و قطع می شد. یکی از علل آن، عدم تأمین سهمیه کامل ایران از کمیته خاورمیانه بود (کی استوان ۱۳۲۷، جلد اول: ۹۹). همچنین بسیاری از کالاها و سهمیه ها در گمرکات می ماند و امکان تخلیه به موقع و حمل به مناطق نمی یافت. از ایرادات دیگر این طرح این بود که مانع فعالیت بخش خصوصی می شد و از ظرفیت این بخش برای کاستن از شرایط نامطلوب می کاست. دولت مدعی بود ورود بخش خصوصی با نظر کشورهای فروشنده (کمیته خاورمیانه) در تعارض است (کی استوان ۱۳۲۷، جلد اول: ۱۲۰-۱۲۱).

بروکراسی اداری برای طرح جیره بندی، وقت و هزینه زیادی را به خود اختصاص می داد. وینز مدیر کل دارایی اصفهان در انتقاد از مرحله اول آمارگیری جهت طرح جیره بندی که توسط اداره خواربار انجام شده بود می نویسد: «سرشماری اصفهان در زمان اداره خواربار با سیصد هزار ریال اعتبار و شرکت انبوهی کارمندان دوائر مختلف دولتی و تعطیلی عمومی و غیره انجام شد.» (روزنامه آتشگاه ۱۳۲۳: ۳۳) اداره خواربار در توزیع کوپن ها وقت زیادی را تلف می کرد و در نتیجه جیره مربوط به آن کوپن ها پرداخت نمی شد. برای نمونه، سهمیه قند و شکر، برنج و قماش ماه های اردیبهشت، آذر و دی ماه ۱۳۲۱ ش/م، دسامبر و ژوئن ۱۹۴۲ م شهر اصفهان پرداخت نشد (ساکما ۳۷۴-۲۹۱). جیره هر نفر تهرانی در ماه سیصد گرم قند و چهارصد گرم شکر بود، در حالی که خواربار اصفهان سهمیه یک نفر را دویست گرم قند و دویست گرم شکر در نظر گرفته بود (نقش جهان ۱۳۲۲: ۲۴). با بهبود اوضاع و ادامه توزیع اقلام بی کیفیت، از استقبال مردم از کوپن ها کاسته و بیش از نیمی از مردم از خرید آن امتناع می کردند (روزنامه آتشگاه ۱۳۲۳: ۱۷).

کمک های انجمن های خیریه نیز با اینکه آثار مثبتی داشت، از ایراد مصون نبود. انجمن های خیریه به نوعی چشم و هم چشمی داشته و با هم همکاری نداشتند. انجمن های خیریه فراگیر نبود و انجمن هر بخش برای فقیران آن بخش خدمت می کرد و چون استقرار ثروتمندان و فقیران شهر مساوی نبود بخش هایی مانند بخش یک اصفهان ثروتمند بیشتری داشتند و فقیران کمتری و در مقابل بخش چهار فقیران بیشتر و ثروتمندان کمتری داشت. در نتیجه، توزیع کمک های خیریه نمی توانست تمام شهر را پوشش دهد.

۵. نتیجه گیری

یکی از نیازهای حیاتی مردم برای زندگی، ارزاق عمومی مانند گندم است که در مواقع بحران، مانند قحطی، خشکسالی، جنگ و... دست خوش نابسامانی های جامعه می شود. از جمله این نابسامانی ها احتکار و انبارکردن مایحتاج مردم است که گروه بسیاری برای سود جویی خود دست به این اعمال می زند. بنابراین پژوهش در باره ارزاق عمومی و واگویی تلخی اقدام افرادی مانند محتکرین اهمیت فراوانی دارد. پژوهش های قبلی این اهمیت را درک کردند و ابعاد آن را بررسی کرده اند؛ که پژوهش فوق نیز بر آن تاکید دارد. بحران ها مانند قحطی و جنگ خواه ناخواه بر ارزاق عمومی تاثیر دارد و نقش افرادی مانند محتکرین را نمی شود کتمان کرد. اما به جنبه دیگر این موضوع یعنی چگونگی مدیریت متولیان یک کشور و جامعه در زمان بحران ها نیز باید توجه داشت. چرا که کمک می کند در صورت تکرار آنها با شناخت نقاط ضعف، بهتر به مقابله با آن پردازیم. در جنگ جهانی دوم ایران اشغال شد و پیامد های گوناگون جنگ بر تمام کشور از جمله اصفهان سایه افکند. با اشغال ایران در جنگ جهانی دوم مانند جنگ جهانی اول بلافاصله محتکران ارزاق عمومی شهر اصفهان را به داخل انبارها، پاساژها و خانه های خود کشاندند. صحنه هایی نازیبایی در صف های نان و همچنین گرسنگی مردم فقیر در سطح شهر ایجاد شد. در فاصله دو جنگ اول و دوم تقریباً دوران سلطنت رضاشاه، نظام نوین شهری در قالب ادارات و نهاد های مدنی شکل گرفته بود و حالا با این بحران ارزاق، انتظار مردم از ادارات برای تامین آن، انتظار غیر واقع بینانه نبود. ادارات دولتی و غیر دولتی اصفهان برای مدیریت ارزاق عمومی وارد میدان شدند. اما این ادارات خود فاقد یک نظام پویا و قدرتمند به خصوص برای زمان های بحران بودند و در انجام مسئولیت های خود با ادارات دیگر اصفهان و ادارات مرکزی در تهران هماهنگ نبودند. بعلاوه اینکه پیامد های اشغال ایران و دخالت متفقین در ادارات اصفهان بر اقدامات و عملکرد آنان تاثیر داشت. طرفه آن که برخی از اقدامات ادارات اصفهان به ویژه طرح جیره بندی به انجام تعهد متفقین و کمیته خاورمیانه بستگی داشت؛ و در نهایت اقدامات و تصمیمات ادارات دولتی و غیر دولتی اصفهان در تامین ارزاق عمومی در جنگ جهانی دوم نتایج رضایت بخشی نداشت.

پیوست



سایت اینترنتی Eghtesadonline.com/n/1z60

پی‌نوشت‌ها

۱.

خاک به سرم شاباجی، پولکی باز گران شد
مگر نبود که پارسال، پولکی شاف می‌کردند
اما ببین که امسال، چه سون بود و چه سون شد
باشد به سال شمسی، هزار و سیصد و بیست
قند و شیکر روش افتاد، نبات چو زعفران شد
توکعب بچه شیری، شافو غلاف می‌کردند
که وضعی دوره برگشت، زمونه هرکی هرکیست
مسجد ز رونق افتاد، منبر شیکست و شد نیست
خاک به سرم شاباجی، پولکی باز گران شد

گوشتو بی دمبه می فروخت
غافل ز وضع اسلام، هر پیر و هر جوون شد
قصابی سر محله صپیه (صبحیه) باز توش افتاد
می گفت که گوشت روش افتاد

(کتابی، ۱۳۷۷: ۱۶۵)

۲.

دیشب گندرم افتاد / در خانه کل شمعون
دیدم بچه اش را من / لاغر چو نی قلیون
در بر نه قباش بود / در پانه بدش تونیون
می گفت به مام خویش / با چشم تر و گریون
آخه نه نه من مُردم / از گرسنگی، کونون
مادر در جوابش گفت: قریون تو مادر جون، / آهسته بکن صحبت در خانه داریم مهمون
دیروز در این خانه / آذوقه فراوان بود
مملوز همزه ازاق / این گنجیه و یخدان بود
این دیگ و سبد مادر / همیشه پیراز نان بود
اکنون ز چه رو مادر / نامانده بجای یک نون
مادر در جوابش گفت: ای موزیک شیطون، / آهسته نما صحبت تا نشنود این مهمون
نی میوه بجای مانده / نه سیب و خیار مانده
نه تخم و برنج و شیر / نه دار و ننداری مانده

و...

(اخگر، سال پانزدهم، دوره سوم، شماره ۱۸۰۷، ۱۲ آذر ۱۳۲۱)

شیوه ارجاع به این مقاله

باقری، ابوالقاسم و سیدعلیرضا ابطیحی (۱۳۹۹)، «بررسی اقدامات ادارات دولتی و غیردولتی اصفهان در تأمین ارزاق عمومی در جنگ جهانی دوم»، دوفصل نامه علمی - پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۱۰، ش ۱.

doi: 10.30465/shc.2020.29956.2045

کتابنامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۱)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- آذربایجانی، اکبر (۱۳۹۳)، *نبرد قدرتهای بزرگ و قیام کارگران اصفهان*، آبادان: نشر پرسش.
- اعظام قدسی (اعظام الوزاره) حسن، (۱۳۷۹)، *خاطرات من (یا تاریخ صدساله)*، جلد دوم، تهران: نشر کارنگ.
- آوری، پیتز (بی تا)، *تاریخ معاصر ایران (از تاسیس سلسله پهلوی تا کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲)*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، جلد دوم، تهران: انتشارات عطایی.
- ایوانف، م.س (۱۳۵۶)، *تاریخ نوین ایران*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه: بی جا.
- بولارد، سرریدر ویلیام (۱۳۶۴)، *شترها باید بروند*، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ سوم، تهران: انتشارات کتیبه.
- بولارد، سر ریدر ویلیام (۱۳۷۸)، *خاطرات (نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه (به انضمام شرح حال رجال عصر پهلوی))*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، چاپ دوم، تهران: انتشارات طرح نو.
- دهقان‌نژاد، مرتضی و الهام لطفی (۱۳۹۳)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در جنگ جهانی دوم*، اصفهان: نشر نگار.
- دیگار، ژان‌پیر و هورکاد، برنار و ریشار، یان (۱۳۷۷)، *ایران در قرن بیستم*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: انتشارات البرز.
- راعی کلوچه، سجاد و دیگران (۱۳۸۴)، *اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم*، جلد اول، تهیه و تدوین مرکز پژوهش و اسناد ریاست‌جمهوری، تهران: نشر خانه کتاب.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۷۸)، *تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول*، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۳)، *برگ‌هایی از تاریخ اجتماعی اصفهان معاصر (پژوهش و متون)*، جلد اول، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۷)، *برگ‌های از تاریخ اجتماعی اصفهان معاصر (پژوهش و متون)*، جلد دوم، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- فوران، جان (۱۳۷۸)، *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)*، ترجمه احمد تدین، چاپ دوم، تهران: انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون) (۱۳۷۲)، *اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ دوم، تهران: انتشارات نشر مرکز.
- کتابی، احمد (۱۳۸۴)، *قحطی‌های ایران*، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کی‌استوان، حسین (۱۳۲۷)، *سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم*، جلد اول، تهران: انتشارات مظفر.
- میلیسو، آرتور (۱۳۵۶)، *مأموریت آمریکایی‌ها در ایران*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: انتشارات پیام.

یکتایی، مجید (۱۳۵۲)، *تاریخ اداری ایران*، تهران: انتشارات کتابفروشی دهخدا.
آبادیان، حسین (۱۳۹۰)، «غلات و زندگی اجتماعی مردم ایران در جنگ دوم جهانی»، *مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.

کتابی، احمد (۱۳۷۷)، «نابسامانی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اصفهان در سال های ۲۴-۱۳۲۰»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۷۷.
یوسفی فر، شهرام و فریدون شیرین کام (۱۳۹۰)، «جیره بندی مواد غذایی در ایران طی سال های ۱۳۲۱-۱۳۲۴ش»، *مجله تاریخ روابط خارجی*، شماره ۴۶.

آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

- 291/374 -291/3331 -290/1772 -290/1915 -290/4178 -290/941 -310/2616
291/1332 -291/874 -291/2828 -291/712 -291/3199 -291/3259 -293/82346

۷۱۲-۲۹۱

روزنامه اخگر، سال سیزدهم، سال اول آبان ۱۳۲۰، شماره ۱۶۹۲.

روزنامه اخگر، سال پانزدهم ۱۳۲۱، شماره های (۷ آبان شماره ۱۷۹۷)، (۱۱ آبان شماره ۱۷۹۸)، (۴ آبان شماره ۱۷۹۹) (۱۸ آبان شماره ۱۸۰۰)، (۲۱ آبان شماره ۱۸۰۱)، (۲۵ آبان شماره ۱۸۰۲)، (۲۸ آبان شماره ۱۸۰۳)، (۱۲ آذر شماره ۱۸۰۷)، (۱۹ آذر شماره ۱۸۰۹)، (۲۳ آذر شماره ۱۸۱۰)، (۲۶ آذر شماره ۱۸۱۱)، (۳ آذر شماره ۱۸۱۲).

روزنامه نقش جهان، سال اول، (۶ تیر ماه ۱۳۲۲، شماره ۴)، (۲ مرداد ماه ۱۳۲۲، شماره ۱۲)، (۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۲، شماره ۲۰)

(۳ شهریور ۱۳۲۲، شماره ۲۱)، (۲۰ شهریور ۱۳۲۲، شماره ۲۶)، (۲۷ شهریور ۱۳۲۲، شماره ۲۷)، (۲۰ مهر ماه ۱۳۲۲، شماره ۳۴)، (۱۰ آدی ماه ۱۳۲۲، شماره ۵۳)، (۱۸ اسفند ماه ۱۳۲۲، شماره ۷۴).

روزنامه نقش جهان، سال سوم، (۲۷ خرداد ماه ۱۳۲۴، شماره ۲۲۵)، (۱ مرداد ماه ۱۳۲۴، شماره ۲۵۶)، (۲۶ مرداد ماه ۱۳۲۴، شماره ۲۶۹).

روزنامه آتشگاه، سال اول، (۲۵ خرداد ۱۳۲۳، شماره ۱)، (۱۶ شهریور ۱۳۲۳، شماره ۱۲)، (۲۰ مهر ۱۳۲۳، شماره ۱۷)، (۱۹ بهمن ۱۳۲۳، شماره ۳۳).

روزنامه اصفهان، سال اول، (۱۱ خرداد ۱۳۲۲، شماره ۱۰)، (پنجشنبه ۲۳ تیر ۱۳۲۲، شماره ۱۹)

آقاجانی، حاج آقا (۱۳۹۷، ۱۸ اسفند). مصاحبه شخصی

اسفندیاری، مهرداد (۱۳۹۷، ۴ اسفند). مصاحبه شخصی